



# بخش خصوصی امید خود را از دولت قطع کند

اشاره:

دومین نشست از سلسله نشست‌های راهبردهای اقتصاد ایران با حضور اقتصاددانان مطرح کشور همچون پروفسور محمد هاشم پسران (از طریق ویدئو کنفرانس) دکتر سعید لیلانز و دکتر محمد ستاری فر توسط اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تهران برگزار شد.

گزارشی از برگزاری دومین نشست از سلسله نشست‌های راهبردهای اقتصاد ایران

وی گفت: بسیاری از راهکارهای بسته مذکور، فرابخشی بوده و برای اجرای درست به تعامل و همکاری سازمان‌های متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین راهکارها را باید در اصلاح قوانین و مقررات و شفافیت تجارت و سرمایه‌گذاری از طریق راهکارهایی چون توسعه صادرات غیرنفتی از طریق هدفمندسازی در نرخ واقعی ارز و تنوع‌پذیری صادرات و تأکید بر صادرات محصولاتی با مزیت‌های نسبی و رقابتی چون صنعت پتروشیمی، معدن، صنایع غذایی، شوینده و جلوگیری از قاچاق کالا جست‌وجو کرد. مقیمی تأکید کرد: دولت سعی دارد با کمک به نقدینگی و پرداخت بدهی‌های خود به بخش خصوصی به گردش نقدینگی کمک کند که باید در هزینه‌کرد این منابع دقت کافی صورت گیرد.

وی سپس به نرخ بسیار بالای سود بانکی در کشور اشاره کرد و گفت: این امر اشتیاق برای دریافت تسهیلات را کاهش می‌دهد و اعتقاد داریم دولتمردان سعی دارند که با تزریق نقدینگی، افزایش قدرت خرید مردم را از حالت رکود خارج کند.

در ادامه نشست، مهندس مسعود خوانساری- رئیس اتاق تهران- ضمن خوشامدگویی به میهمانان عنوان داشت: متأسفانه برای شش ماهه نخست امسال، رشد منفی اقتصاد پیش‌بینی می‌شود و رشد اقتصادی ایران تا پایان امسال بین منفی ۰/۵ تا مثبت ۰/۵ درصد است. رئیس اتاق تهران تصریح کرد: در سال ۱۳۹۰، صادرات نفت ایران حدود ۲ میلیون بشکه در روز و به قیمت هر بشکه ۱۰۰ تا ۱۱۰ دلار بود که در سال ۱۳۹۳ و پس از اعمال تحریم‌ها، صادرات نفت ایران به یک میلیون بشکه در روز

در ابتدا مهندس سیده فاطمه مقیمی- منشی هیئت رئیسه اتاق تهران- عنوان داشت: رکود بی‌سابقه‌ای که در تمام بخش‌های اقتصادی کشور شکل گرفته، شرایطی را به وجود آورده که قبلاً اقتصاددانان پیش‌بینی کرده بودند یعنی رشد شتابانی که در مهار نقدینگی و تورم به رکود بی‌سابقه منجر شده است.

وی افزود: در تعریف علم مدیریت، سیر نزولی رشد اقتصادی که برای چند دوره سه ماهه ادامه پیدا می‌کند نشان‌دهنده وضعیت «کساد اقتصادی» است و هرگاه این دوره به‌طور منظم تجدید شود، «رکود اقتصادی» نام می‌گیرد که این‌که امروز شاهد وجود رکود در تمام صنایع کشور به‌خصوص بخش‌های مولد هستیم.

به گفته مقیمی، رکود حاکم در بخش‌های مولد اقتصادی باعث می‌شود که تولیدکنندگان با ظرفیت پایین‌تر کار کنند و این موضوع باعث افزایش هزینه‌های متوسط ثابت و کاهش نرخ بهره‌وری و در نتیجه ایجاد دوره تسلسل و منفی و تشدید رکود می‌شود.

وی اذعان داشت: در سال‌های اخیر تشدید تحریم‌های خارجی به همراه تغییرات حامل‌های انرژی، افزایش هزینه‌های حمل و نقل را به دنبال داشت که به‌عنوان واسطه اجرایی هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش شدید نهادهای وارداتی به علت عدم تأمین مالی مناسب، باعث شد هزینه‌های این بخش افزایش یابد.

مقیمی ضمن اشاره به کاهش قدرت خرید مردم، افزود: در چنین شرایطی، دولت بسته پیشنهادی سیاست‌های خروج از رکود را ارائه کرد که بیشتر به تحریک تقاضا و افزایش گردش نقدینگی پرداخته و سعی دارد زمینه‌ساز رونق اقتصادی شود.





رئیس اتاق تهران: نرخ حامل‌های انرژی کماکان ثابت است و یارانه‌ها همچنان هر ماه به صورت نقدی پرداخت می‌شوند بدون این که ورودی خاصی وجود داشته باشد که طبعاً فشار آن بر دوش تولیدکننده و بنگاه‌های اقتصادی وارد می‌شود از سوی دیگر دولت برای جبران هزینه‌های خود، فشارهای مالیاتی را افزایش می‌دهد.



و به نرخ هر بشکه ۴۰ دلار رسید ضمن این که درآمد سالانه کشور طی چند سال گذشته از ۱۰۰ میلیارد دلار به حدود ۲۵ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرده است.

به گفته خوانساری، در حال حاضر رکود بر تمام بخش‌های اقتصادی و بنگاه‌های صنعتی کشور اثرگذار است و پیش‌بینی می‌شود که تا آخر سال همین روند ادامه پیدا کند و بعید است که در شرایط فعلی توافق هسته‌ای اثرات مثبتی بر اقتصاد کشور بگذارد و شاید در سال‌های آینده به تدریج شاهد اثرگذاری توافقات هسته‌ای باشیم؛ به همین دلیل باید از امکانات و پتانسیل‌های داخلی کشور استفاده کنیم.

وی در مورد تسهیلات بانکی اذعان داشت: میزان تسهیلات بانکی اختصاص یافته در سال جاری حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان کمتر از میزان تخصیص یافته سال گذشته است؛ از طرف دیگر هزینه‌های اعمال شده بر اقتصاد کشور کماکان وجود دارد و در شش ماهه امسال دولت حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت کرده اما متأسفانه در همین مدت حداکثر ۸ هزار میلیارد تومان بودجه‌های عمرانی پرداخت شده است.

خوانساری ضمن اشاره به این مطلب که هنوز نرخ ارز مشخص نیست و پس از دو سال که تورم ۴۰ درصدی را تجربه کردیم؛ گفت: این نگرانی وجود دارد که سرنوشت نرخ ارز در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بار دیگر رخ دهد و لطمه‌هایی که بر ساختار اقتصادی کشور وارد شد؛ تکرار شود.

رئیس اتاق تهران ادامه داد: نرخ حامل‌های انرژی کماکان ثابت است و یارانه‌ها همچنان هر ماه به صورت نقدی پرداخت می‌شوند بدون این که ورودی خاصی وجود داشته باشد که طبعاً فشار آن بر دوش تولیدکننده و بنگاه‌های اقتصادی وارد می‌شود از سوی دیگر دولت برای جبران هزینه‌های خود، فشارهای مالیاتی را افزایش می‌دهد که این امر، سیکل معیوبی به وجود آورده و عدم کارآمدی بنگاه‌ها را به همراه دارد.

خوانساری، اقدامات دولت در زمینه کنترل تورم را بسیار موثر و مثبت دانست و گفت: در

صورتی که دولت، جراحی عمیق در اقتصاد انجام ندهد، باران‌ها بسته‌هایی که به عنوان مسکن ارائه می‌شود نمی‌توان مشکل اقتصاد و راهکارهای خروج از رکود را حل کرد.

وی اضافه کرد: دولت به پیمانکاران و بخش خصوصی بدهی‌های بسیاری دارد و مشکلات مختلف به اندازه‌ای بر پیمانکاران فشار وارد کرده که مجبور به تعدیل پرسنل و فروش ماشین‌آلات خود شده‌اند.

رئیس اتاق تهران یادآور شد: تلاش اتاق بازرگانی بر این است که با دعوت از اقتصاددانان و صاحب‌نظران، به آسیب‌شناسی مشکلات اقتصادی کشور بپردازد و قصد دارد تا از تمام تفکرات اقتصادی برای دستیابی به راهکارهایی برای حل مشکلات اقتصادی کشور استفاده کند در این راستا اولین جلسه خود را از با حضور دکتر طبیبیان، دکتر غنی‌نژاد و دکتر فرهاد نیلی برگزار نمود، در دومین نشست تخصصی از حضور دکتر ستاری‌فر و دکتر لیلانز دعوت بهره‌مند می‌شویم و از دیدگاه‌های پروفیسور محمدهاشم پسران به صورت ویدئو کنفرانس بهره‌مند خواهیم شد.

#### بخش خصوصی و چپستی‌های توسعه

دکتر محمد ستاری‌فر - رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی - ضمن بیان این مطلب که برای ایجاد توسعه نیازمند نگاه جامع‌نگر، همه‌جانبه و فراگیر هستیم؛ اذعان داشت: مشکل ما در کشور این است که هنر تلفیق تفکرها را برای مسأله‌یابی و مسأله‌شناسی به اندازه کافی نداریم.

وی افزود: به راستی چرا برنامه‌های توسعه ایران در ۷۰ سال گذشته (جزو اولین کشورهای دارای برنامه توسعه) نتوانست به رهایی، آزادی، پیشرفت و عدالت این مرز و بوم عمق جدی و همه‌جانبه ببخشد؟ آیا مشکل در حوزه تفکر و نظر برنامه‌های نهفته است یا در حوزه چگونگی اجرا و عمل؟ آیا منابع مادی و انسانی گسترده و حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار منابع حاصل از فروش نفت و گاز بعد از انقلاب برای تحقق توسعه‌یافتگی کشور کافی نبود؟

ستاری‌فر، مهم‌ترین مشکل کشور را عدم



توسعه دست یافتند؟

وی ادامه داد: چرا ایران با مختصات مهمی مانند واقعیت‌های تاریخی (بهره‌مندی از سابقه تاریخی و تمدنی)، واقعیت‌های فرهنگی (بهره‌مندی از فرهنگ، باورها و ارزش‌های بسیار متعالی)، واقعیت‌های اجتماعی (بهره‌مندی از مدنیت، نهادها، سازمان‌ها و تشکیلات)، واقعیت‌های اقتصادی (بهره‌مندی از نظام‌های مالی، پولی، تجاری و تولیدی)، واقعیت‌های سیاسی (بهره‌مندی از جایگاه مهم در طی تاریخ به جز یک دو قرن)، واقعیت‌های اقلیمی طبیعی (بهره‌مندی از منابع عظیم و سرشار مادی، کانی و طبیعی با گستره‌ای از تنوع در ساختار اقلیمی، بهره‌مندی از ژئوپلیتیک و ژئوجغرافیا و یکی از کشورهای ثروتمند در جهان، از انقلاب مشروطیت تاکنون نتوانسته کشور را به سرمنزل مقصود که همانا دستیابی به مدارهای توسعه‌یافتگی پایدار است؛ برساند؟ به گفته این استاد دانشگاه، منابع طبیعی در کوتاه‌مدت برای دستیابی به توسعه چندان مهم نیست، در بلندمدت یکی از متغیرهای پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود و ایجاد اشتغال پایدار، رفع رکود و ... به عوامل مهمتر از منابع نیازمند است.

وی افزود: به‌راستی آیا منابع و ظرفیت‌های گسترده کشور (به میزان بازار مصرف و نیروی کار ترکیه، در حد عربستان دارای نفت و در حد روسیه گاز و در حد استرالیا معدن برای پیشرفت و توسعه کل کشور کافی نبوده و نیست؟ آیا مشکل ما در عدم رهایی از مدارهای درماندگی، حسب داده‌های اقتصاد ایران در حوزه ساخت‌افزارها (منابع، ارز و ...) یا نرم‌افزارها (سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، نظام حکمرانی و ...) است؟ چرا ثروت فروشی نفت به جای رویکردهای هم‌افزایی و خلق سرمایه‌ها و مدارهای پیش‌برندگی ایران را به یک کشور با دولت و بودجه نفتی و رانتی تبدیل کرده است؟ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی سپس با بیان این مطلب که حساب ذخیره ارزی «امامزاده» نیست، افزود: قرار بود طی برنامه پنج‌ساله بنا بود این حساب گسترده‌تر و خون آن در رگ‌های بخش خصوصی جاری شود. طبق

اصلاح نظام حکمروایی دانست و گفت: اساس سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه، اصلاح حاکمیت است. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به این مطلب که اگر قرار باشد بخش خصوصی هر روز با دولت گفت‌وگو کند، نمی‌تواند توسعه یابد یا حتی بخش خصوصی نامیده شود، گفت: یکی از ناگره‌های مهم بازار در هر کشور، چگونگی کمیت و کیفیت بخش خصوصی است و امر توسعه در تمام کشورهای دنیا در جایی محقق شده که به شکل شفاف و همه‌جانبه جایگاه دولت و بازار مشخص می‌باشد.

وی با بیان این مطلب که به رویکردهای اصلاح قیمتی جهت دستیابی به توسعه اعتقاد بسیاری دارم و آن را در شرایط موجود لازم اما ناکافی نمی‌دانم، افزود: البته نظر من همان نظری است که در دعوت بانک جهانی از پیشگامان توسعه مطرح شده بود. همه معتقد بودند که نمی‌توان کار توسعه انجام داد اما اصلاحات قیمتی انجام نداد، اما با اصلاحات قیمتی نمی‌توان توسعه را به معنای کامل اجرا کرد. پس از جنگ تاکنون اصلاحات قیمتی گسترده‌ای در کشور انجام داده ایم. هرچند این رویکرد صحیح بود، اما در نظام حکمروایی و شرایط محیطی کم‌وکاستی‌هایی داشته است.

ستاری فر ادامه داد: سال گذشته از رشد سه‌درصدی اقتصاد ایران صحبت به میان آمد اگرچه برخی اعلام کردند که این رشد محسوس نیست اما واقعیت این است که توسعه و پیشرفت با نظم و انضباط و تربیت نیروی انسانی (به ویژه در بخش دولت) آغاز می‌شود و در طولانی‌مدت نیازمند تزریق منابع است.

رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بیان داشت: چگونه جوامع عقب‌افتاده و نیمه‌متمدن دشت‌های مرکزی و شمالی اروپا، در قرن پانزدهم توانستند زنجیرهای عقب‌افتادگی را پاره کرده و خود را به مرزهای توسعه‌یافتگی نوین که جهان کنونی را درگیر کرده ساخته است، دست یابند؟ چگونه بعضی از کشورهای عقب‌افتاده پس از جنگ دوم جهانی و بعضاً فاقد پیشینه تاریخی درخشان به رشد و



رئیس سابق سازمان مدیریت: حداکثر ۴۰ درصد مالکیت‌ها متعلق به دولت است اما کنترل دولت بر اقتصاد بیش از ۷۰ درصد است. بانک مرکزی، متعلق به دولت می‌باشد و منابع آن متعلق به بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های بخش خصوصی است اما تحت کنترل دولت قرار دارد؛ از سوی دیگر اکنون نگاه دولت به خود است و نه به بازار و رشد اقتصادی.



آن برنامه و چشم‌انداز ۲۰ ساله بنا شد مدیریت سیاسی کشور از مدیریت اقتصادی جدا شود، اما در تعامل با یکدیگر قرار داشته باشند، اما در عمل اجرائی نشد.

به گفته این استاد دانشگاه، طبق افق چشم‌انداز قرار است که مدیریت سیاسی کشور از مدیریت اقتصادی جدا اما در تعامل با همدیگر باشند، مدیریت اقتصادی بتواند به صورت آزادانه‌تر کار کند و مدیریت سیاسی نیز وظایف روشن‌تری در مورد زمینه‌سازی، بسترسازی، روان‌سازی، انگیزه‌سازی و تعامل با بخش خصوصی و بازار داشته باشد.

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تصریح کرد: در ایران به اشتباه به دنبال اصلاح پیامدهای اقتصادی هستیم و مهم‌ترین مشکل ما که باید به آن بیشتر توجه کنیم، در دو بخش نهادی قانونی و اجرایی است که با پی‌ریزی گفتمان توسعه در میان رهبران حاکمیت، نظام تدبیر و پی‌ریزی قواعد نهادی با کیفیت لازم محقق خواهد شد.

وی در بخش دیگر سخنرانی خود به الزامات و ترتیبات نهادی برای توسعه‌یافتگی پرداخت و گفت: اگر این الزامات به عنوان بخش‌های مختلف یک درخت در نظر گرفته شوند، الزام نخست که به مانند ریشه این درخت حائز اهمیت است، اصلاح باورها، سنت‌ها و فرهنگ عمومی است. دومین الزام که در تنه این درخت جای گرفته است، اصلاح فضای قانونی و نهادی است، اصلاح فضای اجرا و حکمرانی نیز به عنوان سومین الزام حکم شاخه‌های این درخت را دارد و در نهایت، چهارمین الزام و میوه‌های این درخت، پیامدهای اجرای این اصلاحات مشهود می‌شود. در دهه‌های اخیر، تمام تلاش دولت و سیاست‌گذاران بر این بوده که بدون توجه به ریشه و تنه، درصدد اصلاح میوه این درخت یعنی پیامدهای اقتصادی بوده‌اند. در حالی که اکنون مهم‌ترین مأموریت دولت اعم از قوای سه‌گانه و حاکمیت، تمرکز روی مراحل ۲ و ۳ می‌باشد یعنی اصلاح فضای نهادی و قانونی و نیز اصلاح فضای اجرا و حکمرانی است برای پیاده‌سازی این الزامات، پیمودن چند مرحله الزامی است و به این ترتیب،

پی‌ریزی گفتمان توسعه‌ای در بین رهبران حاکمیت، پی‌ریزی نظام تدبیر و حکمروایی توسعه‌ای، پی‌ریزی قواعد نهادی با کیفیت لازم، توسعه بازار و ارتقای کیفیت و پایداری آن به تحقق رشد و توسعه موزون، هماهنگ و پایدار، تحقق کارکردهای کارآمد و اثربخش اشتغال، تورم، نرخ ارز، تراز بودجه، رشد اقتصادی منتهی می‌شود.

به اعتقاد ستاری‌فر، عقلانیت جمعی و سازمانی در ایران ضعیف است و تعیین چگونگی رابطه بین نهاد قدرت و مردم بسیار حائز اهمیت است و تا زمانی که بخش خصوصی قدرت دولت را محدود نکند، توسعه محقق نخواهد شد زیرا دولت طی ۳۰ سال اخیر به ناحق صاحب درآمدهای نفتی شده است و به دلیل آنکه منابع نفتی همچنان در اختیار دولت بوده است، وابستگی بودجه‌های سالانه به درآمدهای نفتی نیز افزایش یافته است.

وی ادامه داد: یکی از دغدغه‌های سه سده اخیر جوامع بشری، جایجایی قدرت میان دولت و بازار است و کشور و جامعه‌ای را سراغ ندارم که جایجایی قدرت میان دولت و بازار به شکل کارآمد صورت نگرفته اما به توسعه دست یافته باشد.

رئیس سابق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، توجه ریشه‌ای به بحران رکود اقتصاد ایران را ضروری دانست و کلیدی‌ترین فرآیندهای توسعه را جابه‌جایی جایگاه و قدرت دولت و بازار در بخش خصوصی عنوان کرد و اعتقاد داشت: توسعه محقق نخواهد شد مگر آنکه به طور شفاف جایگاه دولت و بازار مشخص شود.

وی اذعان داشت: حداکثر ۴۰ درصد مالکیت‌ها متعلق به دولت است اما کنترل دولت بر اقتصاد بیش از ۷۰ درصد است. بانک مرکزی، متعلق به دولت می‌باشد و منابع آن متعلق به بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های بخش خصوصی است اما تحت کنترل دولت قرار دارد؛ از سوی دیگر اکنون نگاه دولت به خود است و نه به بازار و رشد اقتصادی. بخش خصوصی هم نگاهش به دولت است، چراکه هم نفت در دستان اوست و هم اقتدار دارد و همچنین نهادی مدنی هم



این مطلب که تحریم‌ها با اثرگذاری بر اقتصاد ایران، کارآیی آن را مختل کرده است، با برداشته شدن تحریم‌ها، تعدیل و اصلاح اقتصاد ایران بیش از زمان دیگری ضروری به نظر می‌رسد.

وی به عدم سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نیز اشاره کرد و گفت: به دلیل تحریم و اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی در گذشته، تداوم سیاست‌های پوپولیستی منابع اقتصادی را به جای سرمایه‌گذاری به سمت مصرف سوق داده است.

پسران در مورد کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های گذشته و ثبت ارقام منفی رشد اقتصادی معتقد بود: کاهش سرمایه‌گذاری طی این دوره ارقام قابل توجهی است و بین ۱۲ تا ۱۵ درصد چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی با کاهش سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌ایم این در حالی است که نهایت مصرف در همین دوره حدود ۱/۵ تا ۲ درصد کاهش یافته است به این معنا که تحریم بر تولید و سرمایه‌گذاری اثرگذار بوده نه مصرف! و این روند باعث شده که اگر ایران نتواند سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در بخش‌های اقتصادی و صنعتی انجام دهد، ظرفیت تولیدی نخواهد داشت تا بتوان در دوران پساتحریم از منافع تجارت با دیگر کشورها بهره‌مند شود و نخواهد توانست صادرات غیرنفتی را توسعه دهد.

وی، ضمن بسیار دشوار توصیف کردن رقابت ایران در حوزه صادرات با کشورهایی مانند چین، هند، آسیای میانه، اروپا و... اذعان داشت: در صورتی که نتوانیم اقتصاد کشور را کارآمد کنیم و تعادل از دست رفته را به اقتصاد ایران بازگردانیم نمی‌توانیم در این عرصه پر رقابت دوام بیاوریم و از امکاناتی که دوران پساتحریم به وجود می‌آورد، بهره‌مند شویم.

نامزد جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۴ اعتقاد داشت: به تازگی اتفاقات مثبتی در اقتصاد ایران رخ داده است برای مثال نرخ تورم که زمان استقرار دولت آقای روحانی حدود ۴۵ درصد بوده است، در حال حاضر به حدود ۱۲/۵ درصد رسیده که رویداد بسیار مثبتی می‌باشد و اعتماد خاصی را نسبت به دولت ایجاد کرده است.

نیمه جان هستند. تا زمانی که بخش خصوصی نگاهش به دولت باشد و نهادهای مدنی نیمه جانی از جمله اتاق تهران وجود داشته باشند، نمی‌توان در توسعه پایدار نقش مؤثری ایفا کرد.

### تهدیدها و فرصت‌های اقتصاد ایران در پساتحریم

«پروفسور محمد هاشم پسران» سخنران بعدی دومین نشست از سلسله نشست‌های راهبردهای اقتصاد ایران بود که از طریق ویدئو کنفرانس به بیان مطالبی در مورد اقتصاد و توسعه ایران پرداخت. وی دارای دکتری اقتصاد از دانشگاه کمبریج است و استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمبریج، صاحب کرسی عالی اقتصاد جان الیوت در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و عضو پژوهشی پیوسته کالج ترینیتی، استاد اسبق اقتصاد و مدیر برنامه اقتصادسنجی کاربردی در دانشگاه کالیفرنیا، استاد مدعو اسبق دانشگاه هاروارد، انستیتو مطالعات پیشرفته وین، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، دانشگاه ملی استرالیا و عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا (British Academy)، جامعه اقتصادسنجی و مجله اقتصادسنجی (Journal of Econometrics) و نامزد جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۴ می‌باشد.

پسران عنوان داشت: اقتصاد ایران در شرایط حساسی قرار دارد زیرا تحریم‌ها تا چندماه آینده به تدریج برداشته خواهند شد و انتظارات زیادی هم در داخل و هم در خارج از کشور نسبت به دولت‌مردان و اقتصاد دانان ایران وجود دارد. وی افزود: اقتصاد ایران در شرایط فعلی، متأثر از مسائل عمده‌ای است که به سادگی نمی‌توان برای آن راهکار ارائه داد، البته منظورم این نیست که راه‌حلی وجود ندارد اما راه‌حل‌ها در طولانی مدت جواب می‌دهند.

به گفته پسران، قیمت نفت یکی از عوامل مهم اثرگذار در اقتصاد ایران است و همه می‌دانیم که نفت در اقتصاد ایران بسیار مهم می‌باشد و نوسانات قیمت نفت، صادرات نفت و صادرات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی نقش مهمی بر عملکرد اقتصاد ایران ایفا می‌کند. عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا ضمن اشاره به



نامزد جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۱۴: حتی در صورت افزایش صادرات ایران، درآمد نفتی به میزان گذشته نخواهد بود و دولت و مردم ایران باید خود را با درآمد نفتی پایین‌تر تطبیق دهند و باید امیدوار بود که میزان سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در زمینه صادرات غیرنفتی و از سوی بخش خصوصی افزایش یابد.



این اقتصاد دان اضافه کرد: کاهش تورم به سرعت اتفاق افتاد و حتی دولت نیز چنین سرعتی را پیش‌بینی نکرده بود به همین دلیل نرخ بهره در بانک‌ها بیش از نرخ تورم قرار گرفته است و اگر بهره مساوی یا کمتر از نرخ تورم باشد، در سرمایه‌گذاری اثری ندارد اما در شرایط کنونی که نرخ بهره‌ها بیش از نرخ تورم است، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ضربه می‌بیند.

بخش دیگر سخنرانی پسران به انتشار چهار تا پنج میلیون دلار اوراق قرضه دولتی اختصاص داشت. وی در این مورد گفت: اگر دولت در نظر داشته باشد، نرخ بهره این اوراق را نیز برای تشویق مردم به خریداری بالا ببرد، ممکن است بانک‌های خصوصی نیز نرخ بهره خود را در سطوح بالایی نگاه دارند که اجازه نمی‌دهد منابع مالی بانک‌ها به سمت اوراق قرضه سرازیر شود در نتیجه اختلاف میان نرخ اسمی بهره در بازار با نرخ تورم، منجر به افزایش نرخ بهره واقعی خواهد شد. افزایش نرخ بهره واقعی به کاهش سرمایه‌گذاری منتج می‌شود لذا بسیار مهم است که سیاست‌های پولی و مالی نرخ بهره واقعی را افزایش ندهد. در واقع، با افزایش نرخ تورم نرخ بهره اسمی نیز باید کاهش یابد و اگر این اتفاق رخ ندهد، لطمه بزرگی به اقتصاد ایران وارد خواهد شد.

نامزد جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۴، قیمت نفت را تقریباً غیرقابل پیش‌بینی دانست و گفت: به احتمال زیاد، قیمت نفت در آینده نزدیک در سطح ۴۵ تا ۵۰ دلار باقی می‌ماند و نمی‌توان اعلام کرد که درآمد نفتی ایران به درآمد پیش از اعمال تحریم‌ها باز می‌گردد.

پسران تصریح کرد: حتی در صورت افزایش صادرات ایران، درآمد نفتی به میزان گذشته نخواهد بود و دولت و مردم ایران باید خود را با درآمد نفتی پایین‌تر تطبیق دهند و باید امیدوار بود که میزان سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در زمینه صادرات غیرنفتی و از سوی بخش خصوصی افزایش یابد.

به گفته عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا، ایران دارای منابع عمده‌ای است که می‌تواند صادرات غیرنفتی را پوشش دهد. در نهایت باید صنایع داخلی کشور گسترش پیدا کند و اصلاحاتی

صورت گیرد که منابع مالی تأمین شود تا صادرات غیرنفتی از سوی بخش خصوصی افزایش پیدا کند.

پسران اذعان داشت: تهدید دیگر برای اقتصاد ایران، این است که تزریق تدریجی منابع مالی ایران در خارج از کشور (بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار) اصلاحات اقتصادی را به تأخیر اندازد و چه بسا ممکن است که مشکلاتی را برای اقتصاد ایران به بار آورد لذا اصلاحات اقتصادی باید در صدر سیاست‌های دولت ایران قرار بگیرد.

وی ضمن بیان این مطلب که نباید تصور کرد در صورت لغو تحریم‌ها، اقتصاد ایران خود را با نظام اقتصادی جهان تطبیق خواهد داد، گفت: نباید به این بهانه که پس از لغو تحریم‌ها، گشایش‌هایی در زمینه درآمدهای ارزی ایجاد خواهد شد، اصلاحات اساسی اقتصادی در ایران را به تعویق انداخت.

این اقتصاد دان تأکید کرد: نرخ حامل‌های انرژی، یکی از مواردی است که باید در اولویت اصلاح قرار بگیرد زیرا در حالی که بهای نفت خام در بازارهای جهانی در پایین‌ترین میزان خود طی سال‌های اخیر قرار گرفته، بهترین زمان برای اصلاح نرخ حامل‌های انرژی و به خصوص بنزین فرا رسیده است.

وی ابراز امیدواری کرد که به احتمال زیاد اقتصاد ایران در سال آینده گسترش پیدا خواهد کرد و سرمایه‌گذاران خارجی، آماده ورود به بازار ایران هستند و به‌طور قطع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شکل خواهد گرفت به خصوص در صورت کاهش نرخ بهره واقعی و افزایش منابع برای سرمایه‌گذاری در ایران.

پسران یادآور شد: در صورت عدم تحقق اصلاحات اقتصادی، گسترش و رشد اقتصاد ایران کوتاه‌مدت خواهد بود در حالی که به اعتقاد من، ایران برای ۱۰ سال آینده باید رشد اقتصادی در حدود ۶ تا ۸ درصد داشته باشد.

این اقتصاد دان گفت: ایران از نظر جمعیتی کشوری جوان است و نسبت جمعیت پیر به جمعیت کارکن در این کشور بسیار پایین و در حدود ۴۱ درصد است در صورتی که این شاخص در کشوری مانند پاکستان ۶۱ درصد است.



از همین مسائل آغاز می‌شود و طرف تقاضا نمی‌تواند حوائج روزمره خود را تأمین نماید. در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۱۹ میلیارد صادرات نفتی و صد میلیارد واردات کالا به کشور داشتیم اما ۱۱ درصد قدرت خرید کارگران نسبت به دستمزد شان کاهش پیدا کرده است.

لیلاز اعتقاد داشت: اکنون صد میلیون مترمربع مسکن شهری بدون مشتری داریم که ارزش آن حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است. این میزان به این زودی‌ها مصرف نخواهد شد و رونقی را حداقل تا چهار سال آینده ایجاد نخواهد کرد. به نظر من رکود فعلی اولین رکود درون‌زا در اقتصاد ایران است و پیش از این نیز شبه‌رکودی در اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰ داشتیم که آن دوره متوسط رشد اقتصادی کشور دو رقمی بود و در سال ۱۳۴۲ به ۳/۵ درصد رسید و شاه سابق ایران، موضوع را سیاسی می‌دانست و موجب تغییر دولت امینی شد.

وی ادامه داد: در اثر تحولات ۱۰ سال گذشته، ساختار اجتماعی ایران بسیار شکننده شده لذا در مورد تورم یا سیاست‌های انبساطی و پولی باید با احتیاط بیشتری صحبت کرد. ضمن این‌که معتقدم دوران روش غرقابی در اقتصاد مدت‌هاست به سر آمده و با تزریق منابع به تنهایی نمی‌توان کاری از پیش برد، اذعان داشت: هرگاه دولت‌ها به منابع رانتی بدون حساب و کتاب دست یافته‌اند موفق شده‌اند بخش خصوصی را به راحتی کنار بزنند و آنچه در خانواده‌ها به «طلاق عاطفی» مرسوم است میان دولت و ملت اتفاق بیفتد و ما را به جایی که اکنون هستیم، برساند. اگر فرض بر این باشد که حداقل تا چند سال آینده، قیمت جهانی نفت خام ثابت باقی بماند و اگر هم افزایش چشمگیر پیدا کند، دولت در ایران قادر نخواهد بود تا مدت‌ها و شاید تا یک دهه با اتکا به درآمد نفتی کشور را اداره کند، آن وقت خصوصی‌سازی به یک ژست تبدیل می‌شود تا واقعیت.

لیلاز با بیان این نکته که باید وضعیت فعلی را یک فرصت برای بخش خصوصی بدانیم، افزود: مشکل فعلی اقتصاد ایران یک شبه و دو شبه پدید نیامده‌اند که در یک شب و دو شب هم رفع شوند و باید از همان مسیری که در این ۱۰

عضو پیوسته فرهنگستان بریتانیا، توجه و تمرکز بر اقتصاد سیاسی ایران و تطبیق آن با واقعیات اقتصاد ایران را ضروری توصیف کرد و گفت: در صورت به‌کارگیری صحیح از ظرفیت‌های جمعیت جوان کشور، بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری و تکنولوژی و گسترش بخش خصوصی، اقتصاد ایران شکوفا خواهد شد.

**بخش خصوصی، نقطه امید اقتصاد ایران است**  
**دکتر سعید لیلاز - استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی و تحلیلگر مسائل اقتصادی -** بیان داشت: در حال حاضر سیاست پولی دولت، انقباضی نیست زیرا ۲۳ درصد رشد نقدینگی رشد بالایی است.

وی با اعلام این مطلب که فروپاشی طرف تقاضا در ایران یکی از دلایل شکل‌گیری و تمیق بحران رکود در کشور است، گفت: ماهیت و ژرفای بحران کنونی اقتصاد ایران در بسیاری از موارد به درستی شناخته نشده است و با تمام احترام و ارادتی که به اعضای کابینه آقای روحانی داریم به نظر می‌رسد نامه چهار وزیر یکی از نشانه‌های فهم نادرست مسائل اقتصاد ایران است زیرا این نامه از کمرکش بورس شروع شده نه از مسائل مهم اقتصادی! لیلاز تصریح کرد: طبق آماري که توسط روزنامه ایران منتشر شده است، مصرف متوسط مواد غذایی در مناطق شهری در ایران ظرف ۱۰ سال گذشته ۲۶ درصد کاهش پیدا کرده و این در حالی است که هر شهروند ایرانی به طور متوسط در هر ۱۱ روز یک لیتر شیر مصرف می‌کند که این آمار بیانگر بحران به وجود آمده در بخش تقاضا است.

به اعتقاد استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، در ۱۰ سال گذشته که موضوع کاهش شدید مصرف مواد غذایی در خانوارهای شهری وجود دارد، به درآمدی بالغ بر هزار تا هزار و دویست میلیارد دلار ناشی از فروش نفت دست یافته‌ایم. وی، نقطه اصلی بحران اقتصادی فعلی ایران را و فروپاشی طرف تقاضا دانست و گفت: شواهد آماری نشان می‌دهند این مسأله فقط به زمان تحریم باز نمی‌گردد و پیش از تحریم‌ها نیز شاهد وجود این معضل بودیم، رکود هم



استاد دانشگاه: اگر بخواهیم برای سال ۱۳۹۵ سرمایه معمولی و مطابق سال ۱۳۸۳ تشکیل دهیم، بخش خصوصی ایران باید ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه وارد کشور کند؛ از سوی دیگر امیدی که به سرمایه‌گذاری خارجی بسته‌ایم اولاً واهی است و ثانیاً با اوضاع فعلی سیاسی به این زودی‌ها اتفاق نخواهد افتاد.



ساله طی کردیم، برگردیم.

لیلاز به بسته خروج از رکود دولت نیز اشاره کرد و گفت: چنین سیاست‌ها و بسته‌هایی در حکم کارایی استارت برای خودرو می‌ماند که فقط می‌تواند موتور را روشن کند و حرکتی در کار نخواهد بود. واقعیت این است که ظرف ۱۰ سال بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار کسری سرمایه‌گذاری خارجی تجمعی داشتیم در حالی که اگر بخواهیم براساس سال ۱۳۸۳ که آخرین سال دولت آقای خاتمی بود، بررسی کنیم، باید سال ۱۳۹۵ معادل ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم، پس با این بودجه کنونی باید ۲۰ تا ۲۲ سال وقت صرف کرد تا به نتیجه رسید؛ پس این مسیر باید به‌طور اساسی عوض شود و شاید مهم‌ترین نکته در این برهه زمانی این باشد که بخش خصوصی باید امید خود را از دولت قطع کند.

وی اذعان داشت: این دولت دیگر به معنای گذشته منابعی برای تقسیم کردن ندارد و آن ضیافت بزرگ نفتی تمام شده است. در حال حاضر هم فقط خماری ناشی از بدمستی دیشب باقی مانده است! اگر از دولت قطع امید کنیم، دولت نیز ناگزیر است برای بقای نظام، بخش خصوصی را رها کند و این تنها خبر مثبتی است که می‌شود از شرایط فعلی به دست آورد. برای مثال همین برجام، تأدیب روزگار برای ما است و امروز مثل آقاها پای میز مذاکره با همان‌هایی نشستیم که می‌خواستیم یک شبه محوشان کنیم!

لیلاز ادامه داد: اگر بخواهیم برای سال ۱۳۹۵ سرمایه معمولی و مطابق سال ۱۳۸۳ تشکیل دهیم، بخش خصوصی ایران باید ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه وارد کشور کند؛ از سوی دیگر امیدی که به سرمایه‌گذاری خارجی بسته‌ایم اولاً واهی است و ثانیاً با اوضاع فعلی سیاسی به این زودی‌ها اتفاق نخواهد افتاد، زیرا سرمایه از موش هم ترسوتر است، موش از گربه می‌ترسد ولی سرمایه مانند موشی است که حتی از عکس گربه نیز وحشت می‌کند و با لبخندهای دیپلماتیک، سرمایه‌گذار سمت ما نمی‌آید بلکه باید بتوانیم سرمایه‌های داخلی را فعال کنیم. وی اضافه کرد: مشکلات اقتصاد ایران با

سیاست‌های ساده قابل رفع نیستند زیرا تورم همواره بر تصمیم‌گیری‌های دولت سایه می‌اندازد. طی ۱۲ ماه گذشته اتفاقی رخ داده که روی مشکلات کشور و دولت سایه انداخته است به‌طوری که ۲/۵ برابر بودجه عمرانی، درآمد ارزی از دست دادیم و با همین مقدار صادرات که قیمت نفت کم شده است، دولت آقای روحانی می‌توانست با ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه را ببندد؛ ضمن اینکه بیشتر راه‌حل‌هایی که در ایران ارایه می‌شود راه‌حل‌های سیاسی هستند تا اقتصادی و فنی و بدون این که خودمان هم بدانیم راه حل سیاسی ارائه می‌کنیم! برای مثال قطع یارانه‌ها یا افزایش قیمت حامل‌های انرژی، راه‌حل‌های سیاسی هستند.

لیلاز، نقطه امید اقتصاد ایران برای خروج از رکود را بخش خصوصی عنوان کرد و گفت: در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن است ۳ تا ۵ میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور داشته باشیم.

وی ابراز داشت: شاید بهترین راه برای کمک به اقتصاد و شکست رکودها، مراجعه به وضع مردم و بخش خصوصی باشد، برای مثال کمک گرفتن از بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌های عمرانی ما را بسیار سریع‌تر به نتیجه مطلوب خواهد رساند زیرا بخش خصوصی، نقطه امید اقتصاد ایران است.

استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی اضافه کرد: نمی‌توان گفت سرمایه‌های خارجی معطل هستند تا به ایران وارد شوند زیرا بسیاری از کشورهایی که می‌توان به ارتباطات تجاری و اقتصادی با آنها پرداخت، با مشکلات اقتصادی و سیاسی متعددی مواجهند.

لیلاز در پایان این نشست، تنها راه نجات ایران از وضعیت فعلی را «آزادسازی اقتصادی» قلمداد کرد که اولاً باید منسجم و همگن باشد و از یک تور امنیتی بسیار نیرومند به اسم تأمین اجتماعی برای فرودستان جامعه استفاده شود. این یک گزینه برای اقتصاد ایران نیست بلکه یک اجبار است. دولتی که خود را از تصدی‌های بی‌مورد رها کند، می‌تواند به‌طور آهنگین و نیرومند، اقتصاد را اداره کند.